



دبای آفرینها بادیتر اداره است

چای اداره (شبانان لائور - با بازار) تلفن ۹۸۱۷

آژیر روزهای یکشنبه - سهشنبه - پنجشنبه منتشر میشود این روزنامه عضو جبهه آزادی است

کرم کشاورز

یکسال گذشت. آیا در جازده ایم؟

یکسال گذشت. هم بر ما و کشور ما و جهان و جوامع ما گذشت. این سالان در وقت بر زمین و با چشم اندیشه سرتاسر آن را در نگرییم. با فکر پیش از همه چنگ دردیها ما غمور میکنیم. دوجا زدیم. دنیای آزادی خواه ملت شریف حق را در ما هنوز انفرسخ کمیته آتشی بیات و اسلایب گوی و بوسیده کشوداری هستیم. آری درجا زدیم. در روزهاییکه هالیان پیشینه و تیروی دو فراسوی آزادی دو آستانه بیروزی فطری و توانی قرار گرفته در روزهاییکه جهان مترقی خالوده نرزی مسودی را میرزد - ما پس از یک سال دوجا زدن بیخ فرویدیم. آری این سلطنت تلخ و ابدگت - عقب نگریم. دشمن - حتی انجراج - پیش روزهای تازه و عفت مانده گی - بیی ناشایلی که از آفتاب عالیان تری گریزانند - پیش حشرات طمانی که با میکس خون کرم ملت زندگی میکنند - در خورف - در تولید نغز - در تولید انصراف از مسائل اساسی و مشغول شدن افکار پستهای فرعی - در استفاده از اختلافات جزای. ماهر است - محیل و کواست. هنر و جاسوسان خوش دل در صف آزادی جوامع دنیا کار کرده است - سران میرزد - آن آخرین بدقادر من شود دفاع میکند - ما چنانکه باید و شاه دروغه مقابله برانجامیم - هنوز یک جبهه واحد در گراس و آزادی که در صحنه آزادی میازود بنام عناصر ملی و دموکرات کشور و در برگرید و متجددند بنام منی وجود ندارد.

آرزو کرده بودیم که هیتلر و همستان کروت - بر پیش در تمام کشورها بطرف شمال خود رستند و عقده فلسطینی اوهم رسوا آگند و بغداد غلبت برده شود - هیتلر و همستان بی غلبت کینر امان خود عاتق و خواهند رسید و عقده فلسطینی را بی غلبت میضمانند

آرزو کرده بودیم که مکرری بنیید حکومت ما امروز در دست کسانی است که از خون مات اندیز کرده و میگند و صاحت نروت بکران و نغز بی پان شده اند مگر بنیید مشروطه کونما می این از اجری مقاصد شوم و وسیله حفظ سلطنت کامل مثنی نوک و بیگانه حضرت و خورشواد و بیرون دوست می باشد -

شما در مجلس شریف دارید - این اکثریت و این تفریقان که هردهه باعت بر فراری دردت و پس از چند آزادی جوامع جهان دوست نپوشند - مکرری بنیید که این هیتلر ها که هانا هرج و مرج و ایجاد میکنند تا بنیید بگذرد و بنیید واری اند - باز گمان میکند بی که با این مجلس با حق دولت و او با بی بی برگرید با این بی بی که میبوان اصلاحی منل آورد -

بدخنی کنونی ما - مانند سایر ظواهر طبیعت - مایل و مل قابل درک و مادی است و مایل و مل من ملت الهی خرابی وضع ما ساید همین طریقه ها که نادرست است - تا این دردان همه چیز را نابود سازند آت شهر تفریب و نیز لغوای همه اوست و توبه و نایام تپه همه باصلاح کشور و توسعه صنعت و نولات -

در یک کلمه - دره وغانی ایران نابود ساختن طریقه ها که کنونی است - و پس -

برای ابتکار ملت با بنیید خود آماده گردود ایام کند بی بی هرجی که مایل وانی طریقه ها که اکثریت جامعه را تشکیل میدهد و دشمن عقوبتی استوار باشد تشکیل آید -

گر بکنیم بی از چشمی - چنین چیزی - اگر واند در قول خود صدان باشد - بیامنی از ضروری و جانشین و سرخوشیم خواهد گردید وای این حزب

دلخوشیهای احمقانه

یکی از ژنرالهای هیتلر بنزد دهن گزارش درباره اوضاع جبهه ما عرض می نمایند:

— ژنرال: اوضاع جبهه ما برفون مراد است! خاطر مبارک آسود. باشد - نیرو های غارتون ما هم در جبهه غاوروم دو جبهه باختر پیش برودند -

ژنرال: هیتلری خود را در برای اینکه اکنون ابروهای آلمان در جبهه ما با سرعت بسوی جبهه باختر و در جبهه باختر سرعت بسوی جبهه خاور پیش می رودند

وای و احضرت بگویم عیب اشپی - وای ما . . .

دلخوشی خوبی است - پیشرفت است چه بطرف جلو و چه بطرف عقب -

نیرو های ضروری مقدمات صلح فطری شوای خود را بر علیه پایتخت بازی ها فراهم نمایند -

فرط - گو میروند ضربت شدیدی بود که بر سبک دستکها جنگی فرسوده از می و اردند.

مذاکران شور نویت و فرانکورت در کرانه رود اودر خواه - رسید و او آن پس که بران شیری دو برادر ابروهای زو کوف نخواهد بود.

برای سطح خطوط و مواضع دفاعی خود دران جبهه فرماندهان نازی تلاش و توانمندی نشان میدهند و حتی در این وقت و اوقات رانده و ناپدید گند می خواهند در و با دشواری فطری و مشرتک لیره های متفکر انقلابی احاد ایامند غافل از اینکه این جبهه ها منیر تری نخواهد بود.

باقی در صفحه ۲

هیئت محترم مجریه زامه آژیر

هیئت محترم مجریه زامه آژیر

پس از آنکه هر دو طرف مقابل خدمت و نما کاروانی که از طرف جبهه برای منابع عمومی پیش آید - همان نسبت بران خدمت عمومی از دشمنان و جرمای بی جان گذشته خواهد شد - همین نظر را در همه با بنیید خود مراغه از رفقای اوامد - خود شکر نباید کسی که در مراغه بودند در شبهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ شب از امانت بود - شمه اظهارات ما منتظر ملت اوامد که از بنیید تالیس حزب توده نسبت بان ملاحظه مندی خاص این گروه و هوارزه - پیشرفت امور آن را بنیید که در شبهای فوق - ایش - استوخا پیش ۱۹۰۵ رانیم حزب توده و روز نامه ملی آژیر -

شما! گذشته بود که شش ماهی بود که یکی از آنهاست بنام سیاست پیش ۲۳ آژیر - بر سرش نامشاکاشته شده بود این است که بر حسب طریقه که در حزب توده مرتبه دوم از عموم ملت اوامد و از باجان نباش و اما کندگان راهبسی آن عرض شکر نمود و امیدوار بودیم توده ایران با پشتیبانی عموم ملت و توده ایران بهمنام توده مرکزی نایل شده و در قطع ابادی از جناح خدمت فراموش نشد تا بین آب و خاک نباید البته و متذکر و سپید حزب توده و روزنامه آژیر بود اطلاع داده خواهد شد -

شکر اوده مسئول تشکیلات حزب توده ایران - مراغه

طمانندگی که خیال خام پیشوا روبرو شد و در دوسری روزها در سرتاسر شده ولی متلاشه میوزمانه گاه خان سپرده نگاشته در بر پای خویش ایستاده و آوزان نیست

آرزو کرده بودیم که مجلس باقی در صفحه ۲

در طرف مملک آتای دگر شفق در مجله آتاشده

ملاحظاتی چند در باب راه رهائی ایران

باید بدون ملاحظه از توت دشمنان داخلی و خارجی خود را از دستک ملت متعصبه ملت را و بوطیقه خود را از دستک او راه گریز کردا بنده های - سنگش - بازورد -

با چنین حزب که از حمایت ملت بر شورد باید میتوان حکومت و بدست آورد اگر مبرور باشد و در شرایط کنونی که فوژ بیجه و عصر نودالها و سرمایه داران شهری همه جا فرا گرفته با معاشرت درانتها با توسعه مل اکثریت پارلمانی

پس از آنکه حکومت طرفی بسندت منلت اتحاد و سازمان و ملت ایجاد گردید میتوان حتی دولت برای توسعه و تکامل ملت و نجات تنظیم نمود و مبرور را جبهه گذشت و سوزات این پیشرفت در صنعت و کشاورزی و در سایر طواهر اجتماعی نیز پیشرفت حاصل نمود.

لازم بدانم که مبرور در این باب یاد آور شوم - آن اینست که با وضع کنونی زمام و صنعت - ماکرم - بنیاست -

کشاورزی را وضع کنونی کشاورز و دهنده بی حاصل است - چون معصوم بدست از ارباب - می رسد - نتایج نمانت های زاید ارض را در دستک های فوق الماندو کار و گوشش برای ارزان دهقانان است اگر کسی کارگر با مزد در حاله از شهر بی حاصل است که دنیا از کشاورزی را برورش و وسائل - متداول در حال حاضر متضرر خواهد شد -

صنعت ما هم معصوم و غنی نخواهد شد اگر دولت از کسی دوازده عبق کشور بیروی کلاه خالی خود را در بازار های خارجی بخرد و ملاکن و غیر فرمایان ایران را در بازارت به

این آخوین شماره آمده آژیر است شماره آینده پس از سیزده سال نو منتشر خواهد شد

هیئت محترم مجریه زامه آژیر

هیئت محترم مجریه زامه آژیر

پس از آنکه هر دو طرف مقابل خدمت و نما کاروانی که از طرف جبهه برای منابع عمومی پیش آید - همان نسبت بران خدمت عمومی از دشمنان و جرمای بی جان گذشته خواهد شد - همین نظر را در همه با بنیید خود مراغه از رفقای اوامد - خود شکر نباید کسی که در مراغه بودند در شبهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ شب از امانت بود - شمه اظهارات ما منتظر ملت اوامد که از بنیید تالیس حزب توده نسبت بان ملاحظه مندی خاص این گروه و هوارزه - پیشرفت امور آن را بنیید که در شبهای فوق - ایش - استوخا پیش ۱۹۰۵ رانیم حزب توده و روز نامه ملی آژیر -

شما! گذشته بود که شش ماهی بود که یکی از آنهاست بنام سیاست پیش ۲۳ آژیر - بر سرش نامشاکاشته شده بود این است که بر حسب طریقه که در حزب توده مرتبه دوم از عموم ملت اوامد و از باجان نباش و اما کندگان راهبسی آن عرض شکر نمود و امیدوار بودیم توده ایران با پشتیبانی عموم ملت و توده ایران بهمنام توده مرکزی نایل شده و در قطع ابادی از جناح خدمت فراموش نشد تا بین آب و خاک نباید البته و متذکر و سپید حزب توده و روزنامه آژیر بود اطلاع داده خواهد شد -

شکر اوده مسئول تشکیلات حزب توده ایران - مراغه

شور پانی بچه میگند؟

باز بریت - سرتور کرج - در کوئی شقایق در خانه مهندس مصلحت دزدی شده و در مقام یک انبوس پانی پیدا کرده اند - در لالای گوش واقعه را بدست - در شقایق بچه میگند - و تیس آگامی چه میگند - و ایشین موضوع معاکه عمد از مامورین آگامی که با زردان شربک بودند بیکجا رسید - چرا جرمیات این سحاکه را از انکار عمومی پنهان می دارند -

آیا از بکستان در جنوب او کر این است

در مطالب بسیار جانب توجیه در باره جوبل و جنون یکی از مدیران کل که بدبختانه یکی از بکستان های مصادرات انکار عروس وی سپرده شده است در شماره پندر هید آژیر منتشر خواهد شد -

هیئت تحریریه آژیر ما تورا بصورت خزانگان و دشمنان و دموطن صمیمانه تبریک میگوید

ما کاهای بوقلمت های محالی ونا موفتی دل خوش کردیم و در اینجا انصار گشته وافرست داشتند که میدان داری کند و جولان بر دارد -

تو در آن شماره سال گذشته آژیر هانی گردید - آن آژیر و تنها آژیر ما بود - آژیر آن تمام کسانی بود که تری و تالی سفلی ایران دلبستگی دارند و از این جهت کشی - سندی به این کشور و ملت این میباید نه چند صد نفر قهر شتابی را که در گشتان جوبل و در باکی و واقعه و صمیمت نمودمان - سیر ملت داشته است -

آژیر و کرد - هر سنی که سلاخی بین ارباب با بدبختی اوامد - هر سنی در بد و دمان شادوستی بنیید سرتی و غوغا غرضی فایز آید - آن آژیر و در حرف انبوس و جات از آن تریون که گند کلاخی خرابی اگر نظرف سال گذشته است - پان بر سب - در طی سال و جبهه خدمت

ژرژ اداوایسلیویکیا - ۱۴ -

ترجمه کریم کشاورز

قطعه عشق

این شب کاس آرزو، وقت بیدار خوابه وقت / دقایق بختی میگذشت.
 طوق بینکبید، موزیف میشد / د میشد.
 ها، چیردرفکر ماریا مخلوط گشت / گریشا - مجروح میشد - وایسا -
 مدبره، فانی شد / چه وقت میدبرفته بود؟ بیروزا / بنگال پیش آ آبا
 اصلا پیش میدرفته بود / ساعت جیبش انگشاهی بیامت کرد. ولی ساعت کار
 نیکبزد، زنده مجروح همچنان ادامه داشت ولی بشوخی دست نر میشد، لبانش
 سر برهن و سر برهن میبورد و دستانش همچنان پورا میبهرادید.
 باک و دود دیگری هم به او از آن سابق اضافه خواهد شد / حادثه همانکیز
 و با مخلوط صمیمت زدهای خواهد رسید، فقط در این مورد خواهد نوشت /
 برائزخم مرد، این و دود میبومد و چه کسی در بیانات خواهد کرد / روشنی
 آفتاب و برای کدام بدخت تیره خواهد کرد / بروی زانگی چه کسی خط - بیه
 خواهد کشید / خطی که دوامراری آن دیگر، رسد و شطاب آید.
 از لیدک، بجزره شد و برده و بالا زد / هوا تازه داشت روشن
 می شد.

ماریا چراغ و ساپوش کرد / سیدم بریده و یک دستار شانی /
 اطان قوز میگردد / مین کوبک کنار تختخواب - فغان آب - طری دارو -
 و سر - مجروح که بروی بالشی فراز داشت و بشوخی زود و میباید و مشوری و
 ایان / که خورده و هواش که بیبشانی چسبیده بود / همه ایبنا کم کم از دودون
 طلمت ظاهر میشد /
 مجروح هنوز چیزی میگفت و زمزمه اش سر آن آهسته تر میشد و انگشتانش
 بروی بازو سرش حرکت درآمد / روشن میشد و گوی آه امده آخری
 رفت این مرد مجروح را جذب می کند و بهرح ری نیرو بگردد و برطلات و
 صفت فاق می آید /

و تنبیه تمام اشکها اطان خوب دیده شد / و تانویکی زوایای آن بنام
 برد ماریا دیده که انگشتان دیگر حرکت نیکبند / باقیانی از حرکت
 باز مانده / مجروح آرام و بیبند آمد - چشمانش ملامت گشود و دود چو سبزی
 سفت بود / و گوی آن برشش که همه را نگران ساخته و میبازد و الی الی
 می خواب میباید در آن نشیسته است /
 ماریا آهی کشید و رنگ زد / زن برستاری - خواب آرد وارد شد /
 ساربا بوی آید /

مرد - من میبوم /
 رفت طبقه پایین / باعاشی کونی از سله است / با شوخی سر کشش
 می داد / دست تو است دمسکه / بقیه یالونی را بیبازد / بدو لاسنگی و
 فراموش کرد /
 اوغاب سرش و او را نشناخت / با قدمهای بلند ازود می آمد / و سوزان بیبندی
 کرده گشت /

ماریا میبوی /
 آخر از که خود میدید دارد میبورد / ماریا با بشارتی که چو بی
 تشبیه نمد انگشاهی بیوی کرد و گفت /
 آوی میبوم /
 صدایش تغییر کرد / بود / زیر چشش طله ای سیاه پدید آمد / بود / حرکت
 نیکبزد / گوی متکلیش بود / دود خورج و بگبگرد و بزنگم /

و او را نسفت /
 - من تو را شاه میبسم -
 ماریا اعتراض کرد و گفت /
 ماریا / نه / نه / نه / نه / نه / نه /
 پای باه ای نوموید ایستاده بود / ماریا خواست از کار ماشین رد بود
 ولی او را نسفت با ماریا با پوشش و او گریخت و بیوی دو نوموید برد / ماریا
 بیبازد هر یک دیگر / فقط وقتی که بیو ماشین نشمت اظهار تشبیه سگردد
 و گفت /
 ماشین است /

دروان دیگر به بچه / باین چیزها ملامت داشت / سوزان که در این که
 بادشته رفت / از آن گذشته / ساینکه نوی نوموید فراز گرفته است / بشوخی بی
 طلیح و ماریا /
 آخر اگر جز این بود طلمت داشت تا از آری -
 برقی برمد /
 دودنگ فکر کرد که چرانی نوازه تا فراموی برود / آخر روز هسای
 دسگر که بیباده تا نسا میرات / چرا امروز بیبانی /
 واقع شده است / چه پیش آمده / گودش کرد و واقع گلدته
 را یاد آورد / و او را نسفت /
 - این نوموید ممر است / بروم منزل من - حالا حالت /
 اینکه / ماریا باز کردی نیست /
 ماریا نگر کرد /
 - نامش نیست / نامش نیست / نامش نیست / چه چرت میباید /
 آری بقیه چیزی از آنان /
 چه و واقعه که اجتناب ناپذیر بود /
 ماریا ناگهان گفت /
 گریش مرشد /
 و او را نسفت دستش را بر صورتش گرفت و گفت /
 - ماریا من ملامت /
 و او را نسفت وی را از ماشین طرک کرد / لفظه طرک کرد / میباید
 یکبار میبورد / آخر این که آن بدین صیغگی نیست / چه بواب او را نسفت
 واقف نشد /

خبرهای جهان

نطق هیستلر

برلن - هتلر بیامی به ملت فرستاد
 و تقاضا کرده است که روحیه خود را بیاناته
 و برای جانگاری بران آماده شوند.
 و انگلین - روز ولنت در اسپین
 روزنامه نیکارون اظهار داشت است که
 و پوله نظارت روزانه انگلستان که مدت
 امریکا برای اجای برنده صدور خوار
 باز بهمال آزاد شده او را برضا میباید
 خاوست / وزارت دادگستری
 رومانی سگه بود / برای تنه مجرمین
 جنگ و آتشی که الان جک بر علیه
 نطقین داده اند تشکیل داده است.

اوضاع جنگ

در جبهه باختر سیاه اولاز ۲۲
 انگی مودر (ریبانگ) / مسامت ۲۲
 دیو / در مودر و آتشی گلوشت و
 مانی پیش رفته / آتشی با نیروی زود
 برش و با نیروی مانی با نیروی
 امریکا با نیروی جبهه آمده اند
 سیاه سرزمین بیبوری خود اورد طله
 (سار) ادامه داده و به هشت کیلو
 مری رود (نرف) رسیده است / شهر
 (گوبان) تصرف میبورد / آمده
 و بیبفرانوان آن سیاه وارد کرده / شهر
 (گوبان) شده است /

سیاه دهنم امریکا مسافت ۳۳ کیلو
 متر در مرف سار بورگن پیش رفته و به
 شاهوه کیلو متری مرز آلمان رسیده
 است /
در جبهه خاور
 ارتش شرق / اسکوندر و خنطوط و
 اسکیمات شراچی شهر (گدینا) و
 (دا نریک) متعلق / جک برده و تا ساحل
 خلیج (دانتقل) / جک شش کیلو متر داخل
 دارد /

نیروهای آرشال (روکوفسکی)
 نیکبگه آلمانیا را در ۱۶ کیلو متری
 مرتب داناتیک ازین برده اند / قدری
 دودوز این منطقه چینه حمله آلمانی
 که در مکنزادریا با پشتبانی تپ های
 نازگان صورت گرفت و رفع کرد /
 زیرس شرقی بیبوری های دیگری لیب
 ارتش شرق حمله است / برمو و مارشال
 (زوگوف) مسافت دیکری بیبند
 اهتن بیبوری کرده است /
 آنا پها بیبکوند که نیرو های
 آرشال (کوفین) در مکنزادریا شروع
 بداد / جبهه کرده است /

جنگهای هوایی

دو روز پیش پنج روز متوالی
 سی انگلستان سکنین امریکای ازوردوگاه
 های ایلیانیا به پرواز آمده و
 کاره نباتت (وین) را در بیباران
 اندود /
 مسانگنها و دگر امریکا در جبهه
 باختر ایروهای زمین پشتبانی کرده و
 جاده های میبایدان بین (رانگورت)
 (لو فوربارک) را سباران نمودند
 درخت و ماریا های انگلیسی برای
 بیبند و جیبش بیبندی برای او /
 خدمت بیباران نمودند /

اخبار متفرقه

اعتراض دولت فرانسه
 پاریس - دولت فرانسه با دلائل
 به دولت ترک ساق لرسانه و ضمن آن
 تقاضا کرده است که در مورد
 کشور / گفرا میبایدان بین (رانگورت)
 (لو فوربارک) را سباران نمودند /
 ج ج و ماریا /
 مریه /
 دولت اختیارات ناممندی برای این
 مردن بازر سینه و تقاضای مسافط علیه
 و تأیید خوار فرامالی داده است /

آگهی اداری

المشترکین محترم تنبا می شود در موعرف مراجعه تصد بگذار /
 در بردارد /
 دفتر روزنامه آتیر

تقاضا از مشترکین شهر صدناها

از مشترکین شهر صدناها تقاضا میشود که وجه آیر بران روزنامه را هر چه
 زودتر ارسال فرمایند.

آگهی ضروروات

بتاریخ ۱۲۲۲/۱۲/۲۲ آقای یاسلام (آخوند کر) بشاه نامه شماره ۳۸۴۷۰
 طبق تقاضا نامه شماره ۱۹۹۶ مورخ ۱۲۲۲/۱۲/۲۸ با ستاد بکرک گواهی نامه
 و رونوشت شناسنامه قضای کر هله نامه ضروروات را ننوده بدین توضیح
 مرحومه سائورتی کالی بکامل فراد دختر مرحوم جیدو دارنده شناسنامه
 شماره ۱۶۶۱۹ در تاریخ شانزدهم خردادماه بگولوار وصی معوهه در تهران
 جایگاه هیئتیکی گواهی نامه داد و ستاد بازر و بنگه بازر متصرفش می باشد
 پس از شایین گروهی گواهان مراتب سه مرتبه متوالی نامه بگولوار متصرفش
 کنزاد شانههای و سکی از روزنامه های مریک و سانه که هر کسی
 تقاضای مزبور اعراضه داد و طرف مدت مرفوع تمامه و الا پس از اصدای
 مرده گواهی نامه صادر خواهد شد و نیز در صورتی که وضیعت نامه از مرفوعی دارد
 در ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وضیعت نامه غیر از رسمی و مری ابراز خود
 ادرسه اعتبار مسافط خواهد بود.

توبت اول ۲۲/۱۲/۲۲ شماره ۳۸۶
 رئیس کل دادگاههای بخش تهران - اماس امری

آگهی ضروروات

بتاریخ ۱۲۲۲/۱۲/۱۶ آقای ادیب وضوی بوکات از طرف بانو
 ابصر استاد اسفند با استناد بکبرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه
 خود بوکات نامدار ذوات شماره ۱۲۳/۱۲/۱۶ داده ناینگ مرحوم حسین
 اسفند بنام دارنده شناسنامه شماره ۱۵۶ در تاریخ یازدهم تیر ماه ۱۲۲۲
 تهران جایگاه هیئتیکی ذوات بافته و بانو ابواب اسفند با استناد
 شماره ۶ خواهر و گناه و متصرفش میباشند پس از اصدای گواهی گواهان
 مراتب سه مرتبه متوالی نامه بگولوار دوپیه وصی وزارت دادگستری و روزنامه
 آتیر آگهی می شود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ دفتر اولین آگهی و
 بیوند متصرف بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وضیعت نامه از مرفوعی
 دارد و طرف مدت مزبور ابراز والا هر وضیعت نامه غیر از رسمی و مری ابراز
 خود ادرسه اعتبار مسافط خواهد بود.
 رئیس کل دادگاههای بخش تهران - علی اکر اماس امری

آگهی ضروروات

بتاریخ ۱۲۲۲/۱۲/۱۲ آقای سید علی ادیب وضوی بوکات از
 طرف بانو مسومه نرم ابواب طبق تقاضا نامه شماره ۱۶۰۷ مورخ ۲۳/۱۲/۲۲
 با ستاد بکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه قضای ضروروات ننوده بدین
 توضیح حاجی قلامرضا خرم زد دارنده شناسنامه شماره ۱۶۰ مورخ ۱۱
 دی ماه ۱۲۲۲ در تهران جایگاه هیئتیکی خود و بان بافته و بان مسومه خرم زاد
 شناسنامه شماره ۱۶۰۹ مادر و بانو سکینه خانوم شمس الدین غریب شناسنامه
 شماره ۷۱۷ زوجه دانسی و آقای معدن حسن زاده شناسنامه شماره ۱۲۵
 پرسر توشی و وزارت متصرفش میباشند پس از اصدای گواهی گواهان مراتب ۳ توبت
 متوالی نامه بگولوار آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ دفتر آگهی
 و بیوند متصرف بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وضیعت نامه
 از مرفوعی دارد و طرف مدت مزبور ابراز والا هر وضیعت نامه غیر از رسمی
 و مری ابراز خود ادرسه اعتبار مسافط خواهد بود.
 توبت دوم

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - علی اکر اماس امری

آگهی ضروروات

بتاریخ ۱۲۲۲/۱۲/۱۲ آقای سید مرتضی قائم مللی به کات از
 طرف حبیب یاروان با ستاد بکرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه داد
 خراست به شماره ۲۳ رید ۹۹۵ داد باین که در موم آقای سلطان یاروان
 دارنده شناسنامه شماره ۳۷۰۰ در تاریخ سوم دیاب ۱۲۲۲ در تهران جایگاه
 هیئتیکی خود ذوات بافته و آتیمان عباس یاروانی شناسنامه شماره ۸۱۱ و
 اسماعیل یاروان با ستاد نامه شماره ۲۸۸ پسران یاروان ایت شناسنامه شماره ۴۲۷
 و ابواب شناسنامه شماره ۳۴۰ و خدیجه و شناسنامه شماره ۳۳۰ و بتول شماره ۴۲۷
 نامه شماره ۳۰ دختران تقوی و ووات متصرفش می باشد پس از اصدای
 گواهی گواهان مراتب سه مرتبه متوالی نامه بگولوار آگهی میشود با گذشتن
 مدت سه ماه از تاریخ دفتر اولین آگهی میبایدان بین (رانگورت)
 (لو فوربارک) را سباران نمودند /
 درخت و ماریا های انگلیسی برای
 بیبند و جیبش بیبندی برای او /
 خدمت بیباران نمودند /
 درخت و ماریا های انگلیسی برای
 بیبند و جیبش بیبندی برای او /
 خدمت بیباران نمودند /

توبت اول ۲۲/۱۲/۲۲ شماره ۳۸۶
 رئیس کل دادگاههای بخش تهران - علی اکر اماس امری

تیر

یک سال گذشت

از دیلی وزیر
شرح فعالیت صفوی پنجم
آلمان در ایران

طهران ۱۵ مارس «دوربین» شرح کامل نمایند ستون پنجم آلمان در ایران میباشد اکنون بر اثر باران از طرف سفارت انگلیس فاش گشته است این باران از زمانه آتش سال ۱۹۴۰ آغاز میگردد. در آذربایجان سرپوش خفته آلمان دوتن از حال خوش و الاوموم به رومانی گامون و در انزلی مابریان فرستاد که با وضعیت این کشور به منظور حیات منفی و خرابکاری آینه آینه شود.

در آوریل سال ۱۹۴۱ لشکرش نانی که در باغ مرکز نمایند ستون پنجم بود باران را اود شد. این ستون یکی از عمل زیر دست اذوره خفته آلمان بود و ماژور ژاوس بر تونگ شولتنی یار شد.

وقتی که نیروهای متفق وارد ایران شدند از دولت ایران تقاضا شد که از افران کورونی آلمان منب مملو را از یاد داشت آلمانی منوعا سه عمل نمود موقت شده از اژدها شکار افران و کتبی و اسنادی که در حشرک شوش رانته شده اند.

مدارکی که بدست آمده نشان می دهد که دویکی از افران علیه افراد کانی در جنوب ایران تبعید شده بود که هوابیاسی آلمانی توانمند کورانی جا فرود آمده و در دسترس کانی ها گردید. شرکت نفت ایران و انگلیس برای کانی سرپرستی باقی ماند ولی شکست اود تریون قسمت این باقی ماند. طرز عمل آلمانها با ایرانیهای محلی است.

مبارک گوشت کرد با شکست کلات ایرانی در ژانویه سال ۱۹۴۲ راهبای متفقین کارسید در افسان عمل کنند و گروهی که یکی از سرپی های هالتر ایرانی نیز جزء آلمان بود رابطه پیدا کرد.

با سفارت ژاپون همسایگی ستر ساخت و سفارت ژاپون دولار های وای وای پول ایران تبدیل کرد. وقتی که ایران دولار سیاسی و با ژاپون قطع کرد سفارت اولترت و کارمندان آن میبایستی پول و پنج دستکار فرستند بی سیم در اختیار مابریان گذاشته و متذکره وای با عهد از ایرانیان که در اولیه همین زمان شهابت نسبت ژاپونها ها دشمنان سکرده بودند آشنا کرد.

موقع آن دسیده بود که مابریان دستاوتراش امر تشکیل ستون پنجم و آفران را در ستون پنجم فرانس مار بشکل یک جعبت با هم سوم و ۶ میلیون ایران که متشکل گشت و از طرف زمین مرگ شد.

در بین سران این اهدت همداست سرپی با و اسنان از زند ایرانی بود وجود داشته. عمل غالی این گروه عبارت از این بود که شو شهابی بین کرد و این معیار شهابی نوا سازید و در بین حال شولتنی هم تقاضای ها را بر تریک «صیان کند و بوسیله فاسد و این عمل را

را ترگرم کرده و مشکلات وز موجه شده و تر آن فاق آینه بود که چه واحد آزادی و دهی کرامتی تشکیل شود و این خاندان کرامتی را متواری سازد.

نماینده گان مطبوعات در امریکا

اطلاع میدهند که آقایان مورن - سهری - ابوالقاسم امینی و مصباح زاده از طرف دولت انتخاب شده اند که نمایندگان مطبوعات ایران به آمریکا بروند.

جای تعجب است که از یک انجمن مطبوعات آمریکا که در جهت انتقاد همی ایران هم برزگی را دارا می باشد و پیش از این روزنامه در و شورشها عضو آن میباشد نمایندگان انتخاب شده است و بوزره از جراب شده است در میان نمایندگان کسی دیده میشود از این لحاظ متعقدیم که آقای دکتر اوداشتی معیر روزنامه دلیز مردم که در جهت تریون روزها به تیر با همسر - افکار فاشیستی بر خاست به این صورت انتخاب و با بجای نام یکی از آقایان گذاشته شود تصور میکنیم هرچند که آقایان نامبرده هم اعتراض نداشته باشند.

در باره شاهپور دلیلی صا

شاهپور علیرضا مورد تیر است ایران واه از پایت است اگر کوسکم افتر مردم از وی پیش از کنه است که بهمانی دارند افران نکته این روزها که ما بوسیله که برای برگرداندن او با این نوبت در کراسه قهرستیم این است که نام مشارقیه را ستاد ارتش اذوره داشته و می وارد و باقیترامه سرمنی کرده است. بطوری که شاح عمل گشتاوری آلمان در همه هاها سابق از جوانان خدمت شاهپور بزرگ استفاده کرده و بوسیله وی در دربار نمود کرده بودند. این شامه شایسته تحقیق است. اگر کوچکترین احتمال صحت و در این اشتراکات وجود داشته باشد علیرضا را میتوان با یک کنگه علمی ما دشمن دشمنی که ما با وی در حاکمیت بر سر داشت مل در امریک بگوئیم که امید صحت شاه در این مورد نیز احکامات مردم را پیش از ملاحظه نابودگی ارزش خواهد نمود.

مخصوصا در همه خود را با مابریان

شیر روز در وقت آفران به براین معاره شد و در آنجا تصمیم گرفتند که هیئتدگیری کت شولتنی کب را در آن این هیئت تا وقت او در ۵ ژانویه ۱۹۴۳ در آنسوریک شیراز قرار شد. آن مرکب بود از سه فرد آلمانی و یک نفر ایرانی که در آلمان خدمت معاره خفته آلمان وارد شده بودند. آلمان و خدمت کرده که به شولتنی ملحق گردید و با مابریان رابطه بستند.

حالا ذکر معارف ما دون ایران این بود که در اشتباهات آینه مجلس چهارم در تیر افران در دو مقاماتی بنام: متفقین و معاسی مربوط کلات و متفقین امداد شد و او در دربار ایران جنگ خود گیری مل آورد و در همه رابطه را متفقین مل نماید.

مهمات برسیه بود. در اواسط آفران سال ۱۹۴۳ قته مابریان دست اجرا می شد. وضع امنیت کشور خراب و تحریکات اشتعالی در مابریان با کمال شدت جریان داشت. مابریان متفقین بان نتیجه رسیدند که موقع اقدام ستون پنجم را در رسیده است. در روز ۱۵ اوت سال ۱۹۴۳ دو ساعت بعد از ظهر مابریان از طرف مابریان

انکاس توقف شد. این استفسارهای در دانی آلمانی نشان داد: قهرمان اول مابریان متفقین نشان داد: سرعت سازماندهی این امر در شرف شد. آلمانی عالی را که مابریان پیگیری و رسانده بود پس دوی تهران گذاشته بود و بگریز از جاده های دلیز تهران توقف کردند.

در بهار سال ۱۹۴۴ در سایه تقاضای بر تیر شولتنی و سایر مابریان آلمان و تسلیم کردند. در ۱۷ فورس از ایرانیان نیز با آلمانها در دستگیری کرده و با مابریان بودند از طرف دولت ایران توقف گشتند. نتیجه زادهای ایرانیان که در راه آفران دولت ایران آفرانها به گردید و با آلمان سرگشته داشتند این شد که مابریان در کراسه و خراب کاری در راه آفران که دولتی مابریان سایر زیاد شده بود. در مقابل ملاحظه ای تقابل یافت (مکس مزار که در دست آمدن متفقین را در مابریان میباشند. در هر یک جنبه (مربوط) روزنامه های دلیز تهران (مربوط) خواهد رسید.

داخوشی های احمقانه

بیاضسه اول

زلال نون «دردنشدت» تقاضا مترا که جنگ در جبهه بافتنی بنیادینه عهد فوای از برای اوزر در این مترو حوزره «اودرود» کرده ولی تلاش نرمانا نازی در این قسمت به جای هر رسد مشایخ بسیاری از اجساد فریب که خیالی میل و علاقه دارند در یک گذشت های در باره آلمان پس آلمانی ناشی با عهد ای از سران در کلات پندود. بان اقدام با نظریات و خوشنودی می نگریزند. اینها خیالی میل دارند همین زربان و رواندشت و بجای اید در کلات آلمان شادته خود کوشند. تحت بشر و اراده وی روی کار آید بدین ترتیب بسیاری از آرزوهای ما مبتنی بر دفاع و نگهداری از فاشیست بین احمقانه صورت حل ببرد گردود این احمقانه مرتجع در یک مشروع اساسا کشند و آنگونه و این نسبت که تیرها متفقین در روح مملو آنها فوای جنگ هزاران کودک کشته شد که قهای ما و هوس ناپلها گردیدند. به سو پیروزی فاشیستی، بدی برلین و امانت می آید.

اینها خواستار معجزات چاشنیکار

بست میباشند و این چاشنیکاران میبندند که با تیرکانان کوچکتر ن سازش حاصل شود.

این یک وظیفه و ما موریت بزرگ تاریخ است که اوش سرخ و در جبهه خاود و در هر های متفقین بافتنی در جبهه بافتنی انجام میدهند. برای این پیروزمندان ما ما موریت هستند که کشیده شد و اراده بیعت هستند که ملت های گیتی از چنگال اسارت نازی

آن را علمی خواهد بود. هتبار و سایر سران تیرکار نازی پیوده خود را برای فرار و رهائی از چنگال معجزات افعال با پیوه جنایت ساز خوب حاضر نموده و برای اینک در لغزش های اسفناک ملت بدبخت آلمان را از کورد و بی شک و خون منی کشند.

تقته ای هتبار و سایر ناهای گویش و تیر و گشتاوری غلامدانان و سواستالین نمایان آلمان را از دست مابریان حسی فراهم کرد.

اینها بوسه دوی آورند و بیز کجا فرار کنند این سرشت اخترازی ناپذیر در انتظار آنها است تقبیلات دونه تاران ژوبینشور نازی و علاقمندان که فالیات های فاشیستکارانه بزرگترین معادین رژیم های متضوس امیربالیستی بود. این تیر شاهنامه رسید.

موقع ملت های کوسم فاشیستی این آفرانها و کرب صفای نازی گردیدند. حکم محکومیت قطعی این رژیم زید و صادر نموده و برده تیر خود را برای اهدام حسی آن بکار انداخته اند.

پیدايش حکومت های دو کرات و ملی در کشور وی از شده خاود و خراب خود اوزر اوزر اوزر دلیز بزرگ محکومیت رژیم ایرانی است و اورویا اسیر و ستم دیده در اجازه نخواهد داد. اوتیاع بزرگ هاوسورت های سابقه جدیدی برای تکمیل و نتیجه بدبختی های امیربالیستی و برده نمونون ملت های گیتی اسلمه در دست گردید و بیان مردم آذربایجان و فرهنگ جهان را کند مل سازد.

